

نوع مقاله: ترویجی

شهید صدر بنیان‌گذار اقتصاد اسلامی؛ بررسی جایگاه شهید سیدمحمدباقر صدر در تاریخ اندیشه اقتصاد اسلامی

محمدجواد توکلی / دانشیار گروه اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

tavakoli@iki.ac.ir  orcid.org/0000-0002-8184-8163

پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۸

دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۵

چکیده

در دهه‌های اخیر، مباحثی پیرامون پایه‌گذار اقتصاد اسلامی مطرح شده است. برخی اندیشمندان همچون ابوالاعلی مودودی (۱۹۰۳-۱۹۷۹) را به‌عنوان پدر علم اقتصاد اسلامی معرفی کرده‌اند. مقاله حاضر با استفاده از روش تحلیلی - تاریخی به بررسی چنین ادعاهایی می‌پردازد. بنابه فرضیه مقاله، شهید سیدمحمدباقر صدر (۱۹۳۵-۱۹۸۰) به‌واسطه طرح نظام‌مند اندیشه اقتصاد اسلامی شایسته دریافت عنوان بنیان‌گذار اقتصاد اسلامی است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که شهید صدر از جمله اولین متفکرانی بود که به معرفی نظام اقتصادی اسلام در برابر نظام‌های اقتصادی سرمایه‌داری، سوسیالیستی و مختلط پرداخت. ایشان ضمن نقد مبانی فلسفی نظام اقتصادی سوسیالیستی و سرمایه‌داری، اندیشه‌های محوری آنها را نقد کرده و دیدگاه بدیل نظام اقتصادی اسلام را معرفی می‌کند. او از اولین محققانی بود که الگوی عملیاتی بانک‌داری بدون ربا را تدوین کرد. همچنین وی با معرفی روش کشفی، حوزه مطالعاتی فلسفه و روش‌شناسی اقتصاد اسلامی را بهبود بخشید.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد اسلامی، سیدمحمدباقر صدر، پدر اقتصاد اسلامی.

مقدمه

اسلامی یا حداقل بنیان‌گذار اقتصاد اسلامی مدون دانست. پیش از ارزیابی فرضیه مطرح‌شده در مورد بنیان‌گذار اقتصاد اسلامی، نیاز به درکی روشن از ماهیت اقتصاد اسلامی داریم. مسئله اصلی ارائه معیاری است که بتواند اقتصاد اسلامی را از دیگر آموزه‌های اقتصادی رقیب مانند سرمایه‌داری، سوسیالیسم و اقتصاد مختلط متمایز کند. براین اساس پس از تبیین مفهوم اقتصاد اسلامی، به بررسی دیدگاه‌های مختلف در مورد بنیان‌گذار آن و سپس ارائه شواهد جهت تأیید فرضیه مطرح شده می‌پردازیم.

۱. اقتصاد اسلامی به‌مثابه یک علم

اقتصاددانان مسلمان هنوز تا اجماع بر یک تعریف واحد از اقتصاد اسلامی راهی طولانی دارند. در ادامه به برخی از تعریف‌های ارائه‌شده از اقتصاد اسلامی اشاره می‌کنیم:

— اقتصاد اسلامی به مطالعه رستگاری انسان از طریق سازماندهی منابع زمین براساس همکاری و مشارکت می‌پردازد (اکرم‌خان، ۱۹۸۴، ص ۵۱).

— اقتصاد اسلامی «علمی اجتماعی است که مسائل اقتصادی مردم را با الهام از ارزش‌های اسلام مطالعه می‌کند» (منان، ۱۹۸۶، ص ۱۸).

— اقتصاد اسلامی دانش و کاربرد احکام و قوانین شرعی است که موجب جلوگیری از بی‌عدالتی در کسب منابع مادی جهت تأمین رضایت انسان، و تواناساختن وی در انجام تکالیف الهی و اجتماعی است (حسن‌الزمان، ۱۹۸۴، ص ۵۰).

— اقتصاد اسلامی «حاصل تمام مطالعات تاریخی، تجربی و نظری است که نیازهای انسان و جامعه را در پرتو نظامی یک‌پارچه از ارزش‌های اسلامی تجزیه و تحلیل می‌کند» (چودری، ۱۹۸۶، ص ۴).

در تعاریف فوق، عنایت خاصی به نظام اقتصادی اسلام وجود دارد. از ویژگی‌های اصلی این نظام می‌توان به «هدایت افراد در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، با مجموعه‌ای از هنجارهای رفتاری، که از قرآن و سنت گرفته شده، اشاره کرد. وجود زکات و حرمت ربا نیز، دو نکته برجسته و محور اصلی سیاست مالی و پولی اسلامی است. در واقع بسیاری از اقتصاددانان اسلامی سه خصیصه هنجارهای اسلامی، وجود زکات و حرمت ربا را از ارکان نظام اسلامی می‌دانند» (کوران، ۱۹۹۷، ص ۱۳۵).

اقتصاد اسلامی به‌عنوان یک اندیشه دینی، سابقه دیرینه‌ای دارد و ریشه‌های آن به هنگام ظهور اسلام باز می‌گردد. هم‌زمان با ظهور اسلام، اندیشه اقتصاد اسلامی در قرآن، روایات و سیره معصومان[ؑ] ارائه شد. این اندیشه در ادامه توسط علما و محققان اقتصاد اسلامی بسط و گسترش یافت.

اندیشه اقتصاد اسلامی در زمانی ظهور کرد که غرب به قول سومپتر دورانی را پشت سر می‌گذاشت که در قرون وسطا بیش از ۵۰۰ سال اندیشه اقتصادی خاصی ارائه نشده بود. این زمان با دوره اوج تمدن اسلامی و ظهور متفکران برجسته‌ای همچون فارابی (۸۷۲-۹۵۰)، ابن‌سینا (۹۸۰-۱۰۳۷)، ابن‌رشد (۱۱۲۶-۱۱۹۸) و ابن‌خلدون (۱۳۳۲-۱۴۰۶) هم‌زمان است. تأثیرگذاری متفکران مسلمان به قدری است که محققان مسلمان ابن‌خلدون را به‌جای آدم اسمیت شایسته نامیده‌شدن به‌عنوان پدر علم اقتصاد می‌دانند؛ چراکه بسیاری از اندیشه‌های اقتصادی اقتصاددانان کلاسیک، مانند اهمیت تقسیم کار و تجارت آزاد، قبلاً توسط ابن‌خلدون بیان شده است.

در این مقاله به بررسی این سؤال می‌پردازیم که «پدر علم اقتصاد اسلامی کیست؟» هر چند ابن‌خلدون خالق برخی اندیشه‌های ابتدایی اقتصاد است؛ اما به‌سختی می‌توان وی را به‌عنوان پدر اقتصاد اسلامی در نظر گرفت. برخی پژوهشگران افرادی همچون ابوالاعلی مودودی را بنیان‌گذار اقتصاد اسلامی قلمداد کرده‌اند. ما در این مقاله این فرضیه را مطرح می‌کنیم که اقتصاد اسلامی، یا حداقل اقتصاد اسلامی نوین، تا حد زیادی متأثر از شهید صدر و آثار وی در میانه سده بیستم میلادی است. از این رو ایشان را باید به‌عنوان پدر اقتصاد اسلامی معرفی کرد.

در زمینه تعیین بنیان‌گذار اقتصاد اسلامی پیشینه‌چندانی در دسترس نیست. برخی از آثار قابل اشاره در این زمینه بدین شرح است: زعتری (۲۰۱۰) در مقاله‌ای کوتاه شهید صدر را به‌عنوان پدر اقتصاد اسلامی معرفی می‌کند؛ در مقاله ایشان دلایل قوی برای این ادعا ارائه شده و نظریات بدیع ایشان در اقتصاد اسلامی تشریح نشده است.

تیمور کوران (۱۹۹۵) در کتابش، ابوالاعلی مودودی را به‌عنوان پدر اقتصاد اسلامی معرفی می‌کند؛ ادعایی که مستند و قابل قبول نیست. نوآوری مقاله حاضر بررسی ادعاهای مطرح‌شده در مورد بنیان‌گذار اقتصاد اسلامی و استدلال بر این امر است که شهید صدر را باید بنیان‌گذار اقتصاد

حقوق مالکیت، تقسیم کار و تخصص، اهمیت پس‌انداز و سرمایه‌گذاری در توسعه، نقش عرضه و تقاضا در فرایند تعیین قیمت و عوامل مؤثر بر عرضه و تقاضا، نقش پول، ارز، و سازوکار بازار، ویژگی‌های پول، جعل، پول تقلبی، و قانون گرشام؛ توسعه چک، اعتبارات اسنادی و بانکی؛ عرضه نیروی کار و جمعیت؛ نقش دولت، عدالت، و صلح و ثبات در توسعه؛ و اصول مالیاتی را دربر می‌گیرد. ایجاد دید جامعی از تمام تلاش‌های دانشمندان مسلمان در اقتصاد مشکل است (چپرا، ۲۰۰۸).

۲-۲. دستاوردهای اقتصادی مسلمین در قرون وسطا

در طول قرون وسطا، دانشمندان مسلمان سهم زیادی در ادبیات اقتصادی داشتند. برخی دانشمندان، بسیار زودتر از اقتصاد متعارف، ضرورت تقسیم کار برای توسعه اقتصادی را متذکر شدند. به‌عنوان مثال، سرخسی (متوفی ۱۰۹۰) می‌گوید: «کشاورز برای لباسش به کار بافنده، و بافنده برای مواد غذایی‌اش و پنبه نساجی‌اش به کار کشاورز نیازمند است... و در نتیجه هریک با کار خود به دیگری کمک می‌کند». دمشقی، حدود یک قرن بعد، این قاعده را توسعه می‌دهد: «هیچ‌کس به‌دلیل محدودیت عمر نمی‌تواند به‌تنهایی در تمام صناعات متخصص شود. صنایع همه به‌هم وابسته هستند. ساخت و ساز به نجار و نجار به آهنگر محتاج است. آهنگر به معدن‌چی نیازمند است؛ و تمام این صنایع به مقدماتی نیازمندند. بنابراین مردم به اقتضای شرایط ناچارند در شهرها گرد آمده، و برای برآوردن نیازهای متقابل به یکدیگر کمک کنند» (چپرا، ۲۰۰۸).

به‌نظر می‌رسد برخی از دانشمندان مسلمان به‌وضوح نقش عرضه و تقاضا را در تعیین قیمت درک کرده‌اند. به‌عنوان مثال جاحظ (متوفی ۸۶۹) می‌نویسد: «هر چیز موجود در بازار با در دسترس بودن [عرضه] ارزان می‌شود، و نیز به‌دلیل در دسترس نبودن، هنگام نیاز [تقاضا] گران خواهد شد؛ و «عرضه هر چیزی افزایش یابد، ارزان شود؛ بجز هوش که هرچه بیشتر شود، مهم‌تر می‌شود» (همان).

توسعه قوانین مالیاتی (برابری، اطمینان، تسهیل در پرداخت، و صرفه‌جویی در جمع‌آوری)، به‌ویژه لزوم نظام مالیاتی عادلانه و به دور از ظلم را می‌توان مدت‌ها پیش از *آدام اسمیت* (متوفی ۱۷۹۰) در نوشته‌های دانشمندان مسلمان ردیابی کرد. پیامبر اسلام ﷺ و امام علیؑ (متوفی ۶۶۱) تأکید می‌کنند که مالیات باید با عدالت و ملامت

یکی از نکات مهم در تعاریف فوق این است که اقتصاد اسلامی اصول حاکم بر چگونگی تخصیص منابع به نیازها مطابق با تعالیم اسلام را بیان می‌کند. از این جهت اقتصاد اسلامی با حقوق تجاری اسلامی یا فقه معاملات فرق دارد. فقه معاملات می‌تواند به‌عنوان یکی از منابع کشف نظام اقتصادی اسلام مورد استفاده قرار گیرد.

واضح است که ارائه ایده‌هایی پراکنده در مورد اقتصاد اسلامی برای ساخت اقتصاد اسلامی کافی نیست. اقتصاد اسلامی به‌عنوان یک رشته، باید قادر به پاسخ‌گویی به سؤالات اساسی نظام‌های اقتصادی باشد؛ از جمله اینکه چه چیزی را تولید کنیم؟ چگونه تولید کنیم؟ و محصول نهایی پس از تولید را چگونه توزیع کنیم؟ همچنین اقتصاد اسلامی عهده‌دار معرفی راه‌حل‌های اسلامی برای مشکلات اقتصادی است.

جهت ارزیابی ادعاها در مورد بنیان‌گذار اقتصاد اسلامی، باید آنچه اندیشمندان مسلمان به‌عنوان اقتصاد اسلامی ارائه کرده‌اند، بررسی شود. برای بررسی ادعای مطرح‌شده در مورد تأثیر‌گذاری شهید صدر بر دانش اقتصاد اسلامی، سیر تکامل اندیشه اقتصاد اسلامی را در دو بخش اقتصاد اسلامی پیش از شهید صدر و اقتصاد اسلامی پس از شهید صدر بررسی می‌کنیم.

۲. اقتصاد اسلامی قبل از شهید صدر

با نگاهی به تاریخ اندیشه اقتصاد اسلامی قبل از شهید صدر، ایده‌هایی پراکنده پیرامون آموزه‌های اقتصادی اسلام را می‌یابیم که به دور از یک مجموعه جامع از نظریه‌ها در مورد نظام اقتصاد اسلامی است.

۲-۱. مغالطه نظریه «شکاف بزرگ»

شومپیتر (۱۹۵۴) در کتاب *تاریخ تحلیل اقتصادی* دوران بین یونانیان و اسکولاستیک‌ها را بی‌حاصل و عقیم می‌پندارد. او عبارت «شکاف بزرگ» بیش از ۵۰۰ سال «(the 'Great Gap' Theory)» در تاریخ اندیشه اقتصادی متعارف را به کار می‌گیرد (شومپیتر، ۱۹۴۵/۱۹۹۷).

اقتصاددانان مسلمان از ادعای شومپیتر با عنوان «سفسطه شکاف بزرگ» یاد کرده‌اند؛ زیرا در دوران مورد اشاره وی، مسلمانان کمک شایانی به گسترش اندیشه اقتصادی کردند. برخی از مفاهیم و نظریاتی که بعد از قرون وسطا در اقتصاد متعارف مطرح شد، پیش از آن در آثار اندیشمندان مسلمان مطرح شده بود. در دوره مورد اشاره شومپیتر، اندیشه اقتصادی در حوزه‌هایی همچون توسعه و پیشرفت،

جمع‌آوری شده و نباید فراتر از توان مردم تحمیل شود. *ابویوسف*، مشاور *هارون الرشید* (۷۸۶-۸۰۹)، استدلال می‌کند که سیستم مالیاتی نه تنها به افزایش درآمد منجر می‌شود؛ بلکه به توسعه کشور نیز می‌انجامد (چپرا، ۲۰۰۸ الف، به نقل از: *ابویوسف*، ۱۹۳۳-۳۴، ص ۱۱۱).

۲-۳. سهم ابن‌خلدون در اقتصاد

در میان دانشمندان مسلمان، *ابن‌خلدون* سهم عظیمی در ادبیات اقتصادی دارد. وی به‌خاطر نظریه توسعه بین‌رشته‌ای که سقوط تمدن اسلامی در اواخر قرن ۱۴ را توضیح می‌دهد، مشهور است. او همچنین به اهمیت تقسیم کار و حتی طرف عرضه و تقاضای اقتصاد توجه کرده است.

یکی از مهم‌ترین کمک‌های *ابن‌خلدون* به ادبیات اقتصادی اتخاذ رویکرد پویای چندرشته‌ای به توسعه اقتصادی بود. براساس این نظریه، توسعه تابع عوامل اقتصادی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، جمعیتی و تاریخی است. این ایده عمدتاً در کتاب معروف *ابن‌خلدون*، *کتاب‌العبر*، بسط داده شده است. *ابن‌خلدون* در زمانی (۱۳۳۲-۱۴۰۶) که تمدن اسلامی رو به افول بود، زندگی می‌کرد. وی آرزوی دیدن عکس این جریان را داشت و به‌عنوان یک دانشمند علوم اجتماعی به‌خوبی آگاه بود که چنین چرخشی بدون عبرت از تاریخ قابل انتظار نیست؛ درک عواملی که منجر به رشد انفجارگونه تمدن اسلامی از قعر به اوج و سقوط مجدد آن شده بود (چپرا، ۲۰۰۸، ص ۸۳۹).

طبق نظر *ابن‌خلدون*، ظهور و سقوط یک سلسله یا تمدن، ارتباط نزدیکی با رفاه و یا بدبختی مردم دارد. رفاه مردم، برخلاف آنچه اقتصاد متعارف تا همین اواخر بیان می‌کرد، تنها وابسته به متغیرهای اقتصادی نیست؛ بلکه به‌شدت وابسته به عوامل اخلاقی، روانی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، جمعیتی و تاریخی است. عملکرد نامناسب یکی از این عوامل، مانند مکانیسم ماشه عمل می‌کند، و عوامل دیگر ممکن است در همان جهت یا جهت مخالف واکنش نشان دهند. اگر دیگر عوامل در همان جهت واکنش نشان ندهند، احتمالاً فروپاشی یک بخش به دیگر بخش‌ها منتقل نمی‌شود و یا بخش خراب‌شده ممکن است اصلاح شده و یا سقوط تمدن کندتر شود. اما اگر بخش‌های دیگر، مانند مکانیسم ماشه، در همان جهت واکنش نشان دهند، سقوط تمدن از طریق یک واکنش زنجیره‌ای مرتباً شتاب خواهد گرفت؛ به‌طوری‌که دیگر تشخیص علت از معلول مشکل خواهد بود. بنابراین به‌نظر می‌رسد

ابن‌خلدون تصور روشنی از عملکرد تمامی عوامل مختلف، با رابطه‌ای پویا و متقابل، طی دورانی طولانی، در جهت توسعه یا سقوط یک جامعه داشته است (همان، ص ۸۴۴). همچنین *ابن‌خلدون* در مقدمه کتاب *العبر* بر اهمیت اصول عدالت و بی‌طرفی در سیستم مالیاتی تأکید کرده است. اثر مالیات بر انگیزه و بهره‌وری به‌وضوح توسط *ابن‌خلدون* تصویر شده؛ به‌نحوی که به‌نظر می‌رسد وی مفهوم نرخ بهینه مالیات را درک کرده است. او در پایان فصل اول نتیجه می‌گیرد: «مهم‌ترین عامل رونق کسب و کار سبک کردن بار مالیاتی تجار تا جای ممکن است؛ تا به‌وسیله تأمین سود بیشتر [پس از پرداخت مالیات] تجارت تشویق گردد» (*ابن‌خلدون*، ۲۰۰۵، ص ۲۸۰). وی بدین شکل توضیح می‌دهد: «اگر مالیات و تعرفه سبک باشند، مردم به فعالیت بیشتر تشویق می‌شوند. بنابراین تجارت گسترش یافته، و مردم به‌خاطر مالیات کمتر رضایت‌مندی بیشتری خواهند داشت و درآمد مالیاتی نیز در مجموع بیشتر خواهد شد» (همان، ص ۲۷۹).

ابن‌خلدون مراحل توسعه‌ای که هر جامعه می‌گذراند را بیان می‌کند؛ گذر از مرحله بادیه‌نشینی بدوی به پیدایش روستا، شهرها و مدنیت با یک دولت مؤثر، توسعه کشاورزی، صنعت و علوم، و تأثیر ارزش‌ها و محیط‌زیست بر توسعه (همان ص ۳۵-۱۷۶). هم‌گام با *ابن‌خلدون*، سایر دانشمندان اسلامی مانند *مقریزی* و *ولی‌الله*، عوامل اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را برای توضیح پدیده‌های اقتصادی و ظهور و سقوط جوامعشان ترکیب کردند (چپرا، ۲۰۰۸، ص ۸۳۹).

هرچند *ابن‌خلدون* سهم بزرگی در ادبیات اقتصادی و اقتصاد اسلامی دارد؛ اما هیچ ایده نظام‌مندی درباره ماهیت و کارکردهای نظام اقتصادی اسلام و راهکاری مشخص برای حل مشکلات اقتصادی براساس آموزه‌های اسلامی ارائه نکرده است. در آثار وی جای خالی اندیشه‌ای نظام‌مند در مورد نظام اقتصادی اسلام احساس می‌شود؛ اندیشه‌ای که بتواند به سؤالات اساسی نظام‌های اقتصادی پاسخ دهد؛ از جمله اینکه چه تولید کنیم، چگونه تولید کنیم و چگونه توزیع کنیم.

دیگر دانشمندان مسلمان نیز با مشکل مشابهی روبرو می‌باشند. آنها در توجه به کل نظام اقتصادی اسلام موفق نبودند، و در عوض اندیشه‌هایی در مورد برخی از نهادهای اسلامی مانند: ربا، زکات، حربه و وقف ارائه کرده‌اند. بیشترین کمک ایشان را باید کمک به جنبه‌های فقه اقتصاد اسلامی در نظر گرفت؛ مثلاً به‌جای اینکه به

بسیاری از اندیشمندان مسلمان به دستاورهای بزرگ شهید صدر در اقتصاد اسلامی پرداخته‌اند. به‌عنوان نمونه، مندر قحف، شهید صدر را یکی از پیش‌گامان نظریه‌پردازی در اقتصاد اسلامی می‌داند. به‌گفته‌ی وی، «اولین تلاش جدی برای نظریه‌پردازی اقتصادی با استفاده از قرآن و سنت، توسط شهید صدر در سال ۱۹۶۴ صورت گرفته است» (قحف، ۱۹۷۸، ص ۱۰). علاءالدین زعتری، در مقاله‌ای پیرامون تاریخ اقتصاد اسلامی، استدلال می‌کند که شهید صدر باید به‌عنوان پدر علم اقتصاد اسلامی جدید در نظر گرفته شود.

اندیشه‌های شهید صدر در اقتصاد اسلامی بسیار جامع، تحلیلی و منسجم است. اکثر دستاوردهای اقتصاد اسلامی قبل از او آنچنان تحلیلی نیست و فقط به برخی از نهادهای اسلامی مانند زکات و وقف اشاره دارد؛ بدون اینکه ساختار نظام اقتصادی اسلام و زیرنظام‌های آن را تحلیل کند.

در این میان، مهم‌ترین دستاوردهای اصلی شهید صدر در ادبیات اقتصاد اسلامی به شرح زیر است:

۱. تحلیل تطبیقی نظام‌های اقتصادی؛
۲. ساختار نظام اقتصادی اسلام (ساختار حقوق مالکیت، مکانیزم تخصیص منابع، کارکرد دولت)؛
۳. نظریه عدالت توزیعی (نظریه توزیع قبل از تولید، توزیع پس از تولید، بازتوزیع درآمد و ثروت)؛
۴. الگوی بانک‌داری بدون ربا.
۵. فلسفه و روش‌شناسی اقتصاد اسلامی (تمایز مکتب و علم اقتصاد؛ روش کشفی)؛

۳-۱. تحلیل تطبیقی نظام‌های اقتصادی

شهید صدر در سال ۱۹۶۱م ایده‌هایش در مورد نظام اقتصادی اسلام را در کتاب معروف *اقتصادنا* منتشر کرد. در این کتاب، او دیدگاهی جامع در مورد نظام اقتصادی اسلام ارائه کرده است. شهید صدر برای معرفی نظام اقتصادی اسلام تلاش می‌کند تا دیدگاه‌های اسلامی درباره چگونگی سازماندهی اقتصاد و حل مشکلات اقتصادی براساس آموزه‌های اقتصادی اسلام را کشف کند. او در مقابل نظام سرمایه‌داری، مارکسیسم و اقتصاد مختلط، نظام اقتصاد اسلامی را مطرح ساخت.

شهید صدر بحث را با تجزیه و تحلیل مبانی فلسفی مارکسیسم

نظریه قیمت در اقتصاد اسلامی بپردازد، فقط به قیمت توجه داشته‌اند و تنها با یک سؤال حقوقی درباره مشروعیت یا عدم مشروعیت قیمت‌گذاری در فقه اسلامی مواجه بودند.

۲-۴. سیدابوالاعلی مودودی

برخی از محققان مانند تیمور کوران (۱۹۹۵ و ۱۹۹۷)، سیدابوالاعلی مودودی (۱۹۰۳-۱۹۷۹)، بنیان‌گذار جماعت اسلامی (حزب اسلامی) را پدر اقتصاد اسلامی نامیده‌اند. بنا بر نظر کوران، مودودی، ایدئولوگ پاکستانی، اصطلاح «اقتصاد اسلامی» را به‌وسیله آثار گسترده‌اش رواج داد (کوران، ۱۹۹۵، ص ۱۵۶؛ همو، ۱۹۹۷). او عقیده داشت لازم است مسلمین تمام ابعاد زندگی را براساس «اسلام» و اطاعت از اراده الهی بنا نهند. بنابراین حوزه سیاست و اقتصاد نمی‌تواند مستقل از وحی قرآنی و سنت اسلامی باشد.

با بررسی آثار مودودی، به‌سادگی می‌توان دریافت که دستاورد وی در اقتصاد اسلامی افکاری درباره اهمیت برادری در تمدن اسلامی است. او به همراه حسن البنا به‌منظور ترویج برادری میان مسلمانان تلاش کرد؛ باین‌حال او هیچ تجزیه و تحلیل نظام‌مندی از ماهیت و عملکرد نظام اقتصادی اسلامی ارائه نداده است. به‌نظر می‌رسد که کوران (۱۹۹۵) مودودی را به‌دلیل ارائه ایده عملیاتی برای بنا نهادن یک نظام اقتصاد اسلامی، به‌عنوان بنیان‌گذار اقتصاد اسلامی نامزد می‌کند؛ درحالی‌که مودودی هیچ چارچوب و بسته سیاستی منسجمی در این زمینه ارائه نمی‌کند (کوران، ۱۹۹۵، ص ۱۷۰).

دانشمندان مسلمان پیش از شهید صدر برخی از اندیشه‌ها در مورد توسعه، تجارت، مالیه عمومی و حتی عرضه و تقاضا را بسط داده‌اند. اما این ادعاهای تحلیلی و هنجاری از ارائه یک نظام اقتصاد اسلامی در مقایسه با سایر نظام‌های اقتصادی، مانند سرمایه‌داری، سوسیالیسم، و اقتصاد مختلط، عاجز است.

۳. سهم شهید صدر در پیشبرد اقتصاد اسلامی

در اواسط قرن بیستم، شهید سیدمحمدباقر صدر با بررسی و مقایسه نظام اقتصاد اسلامی با نظام‌های سرمایه‌داری، سوسیالیسم و اقتصاد مختلط، کمک شایانی به پیشبرد ادبیات اقتصاد اسلامی کرد. وی همچنین مدل اسلامی خاص خود از بانک‌داری بدون بهره را به‌عنوان جایگزینی برای بانک‌های ربوی متعارف معرفی کرد.

این سه نوع مالکیت عبارتند از: الف) مالکیت خصوصی؛ ب) مالکیت عمومی؛ ج) مالکیت دولتی (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۲۹۵).

مالکیت خصوصی محدود به حقوق استفاده از عین و نمائات، اولویت استفاده از آن و حق منع استفاده دیگران است. مالکیت خصوصی را می‌توان با کار به‌دست آورد. تفاوت بین مالکیت عمومی و مالکیت دولتی عمدتاً در استفاده از چنین اموالی است. درحالی‌که اموال عمومی (مانند بیمارستان و مدارس) باید به نفع همه مردم استفاده شود؛ اموال دولتی را علاوه بر اینکه می‌توان به نفع همه استفاده کرد، می‌توان با تصمیم دولت، به نفع بخش خاصی از جامعه به‌کار گرفت. اسلام برای اطمینان از تحقق عدالت، محدودیت‌هایی در کسب درآمد و ثروت وضع کرده است. ممنوعیت ربا و لزوم پرداخت زکات آرایشی خاص در نظام اقتصادی اسلام است.

ب. مکانیزم تخصیص منابع

از نگاه شهید صدر تخصیص منابع در نظام اقتصادی اسلام به‌طور کامل به بازار واگذار نشده؛ بلکه دولت نیز نقش عمده‌ای در این زمینه ایفا می‌کند. دولت عهده‌دار تحقق عدالت در فرایند تخصیص منابع به نیازهاست. در این راستا، سه مسئولیت زیر بر عهده دولت گذاشته شده است:

الف) توزیع منابع طبیعی بین افراد براساس رضایت و استعداد در کار؛

ب) اجرای احکام شرعی و قانونی در زمینه استفاده از منابع؛

ج) حصول اطمینان از توازن اجتماعی (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۶۹۶-۷۱۶).

کارکرد سوم دولت به‌دلیل تعارضاتی است که به علت تفاوت‌های طبیعی در ظرفیت‌های (ذهنی و جسمی) افراد رخ می‌دهد. به‌دلیل این تفاوت‌ها، اختلاف درآمدی و «طبقات اقتصادی» ایجاد می‌شود. دولت (به‌جای برابری درآمد) ملزم به تأمین یک استاندارد متعادل از زندگی برای همه است. همچنین در این رابطه، دولت عهده‌دار تأمین اجتماعی همگانی است. تأمین اجتماعی همگانی را می‌توان با ترویج برادری در میان افراد جامعه (از طریق آموزش) و سیاست‌های مخارج عمومی به‌دست آورد؛ سرمایه‌گذاری‌های خاص بخش دولتی جهت کمک به فقرا و تنظیم فعالیت‌های اقتصادی، برای اطمینان از عدالت و عدم سوء استفاده از افراد، از جمله این اقدامات است (همان، ص ۶۹۶-۷۲۸).

شهید صدر به اهمیت دست نامرئی اخلاق در بهبود تخصیص

و سرمایه‌داری آغاز می‌کند. سپس برنامه‌های این دو مکتب اقتصادی برای حل مشکلات اقتصادی را نقد می‌کند. ایشان در ادامه ضمن بیان مبانی فلسفی نظام اقتصاد اسلامی، با توجه به آموزه‌های قرآن و سنت، برنامه اسلام برای سازماندهی اقتصاد و حل مشکلات اقتصادی را معرفی می‌کند.

شهید صدر در نشان دادن برتری نظام اقتصادی اسلام نسبت به دیگر نظام‌های اقتصادی رقیب موفق بود. بنا به استدلال ایشان، نظام اقتصادی اسلام حتی از اقتصاد مختلط، که ترکیبی از نظام‌های اقتصادی سرمایه‌داری و سوسیالیستی است، متفاوت است. او نظرات اسلام در مورد حقوق مالکیت، توزیع منابع، و تعالیم اسلامی در مورد تولید و مصرف را مطرح می‌کند.

شهید صدر ضمن پاسخ دادن به سؤالات اساسی نظام اقتصادی از منظر اسلام، نشان می‌دهد که چگونه این پاسخ‌ها از پاسخ‌های داده شده براساس اندیشه سرمایه‌داری، سوسیالیسم و اقتصاد مختلط متفاوت است. شهید صدر نظرات و پیشنهادهایی نیز درباره نحوه حل مشکلات اقتصادی کشورهای مسلمان دارد.

۳-۲. ساختار نظام اقتصادی اسلام

چیزی که شهید صدر را سزاوار عنوان «پدر اقتصاد اسلامی» یا «بنیان‌گذار اقتصاد اسلامی» می‌سازد، دستاورد وی در معرفی ساختار نظام اقتصادی اسلام است. در ادامه به بیان دیدگاه‌های او در این زمینه می‌پردازیم.

به نظر شهید صدر، (۱) در ساختار نظام اقتصادی اسلام سه مؤلفه اساسی مالکیت مختلط، آزادی در کادر محدود و تکافل اجتماعی پذیرفته شده است. پذیرش مالکیت مختلط به مفهوم به‌رسمیت شناختن سه نوع مالکیت خصوصی، عمومی و دولتی در چارچوب نظام حقوق مالکیت در اقتصاد اسلامی است. (۲) نظام اقتصادی اسلام ضمن پذیرش بازار، دست مرئی دولت و دست نامرئی اخلاق را مکمل دست نامرئی بازار می‌داند (سازوکار تخصیص منابع). (۳) اسلام روش خاصی برای توزیع و بازتوزیع درآمد پیشنهاد می‌دهد که عمدتاً براساس دو معیار کار و نیاز استوار است (عدالت توزیعی).

الف. ساختار حقوق مالکیت (اشکال سه‌گانه مالکیت)

شهید صدر، در کتاب *اقتصادنا*، سه شکل مالکیت مورد پذیرش در اسلام را مطرح می‌کند که هر کدام در محدوده خود عمل می‌کنند.

عدالت توزیعی است. شهید صدر با تجزیه و تحلیل اصول عدالت و تعادل اجتماعی در اقتصاد اسلامی، کار (فعالیت اقتصادی) و نیاز را به‌عنوان دو معیار اصلی برای توزیع و بازتوزیع درآمد پس از تولید معرفی می‌کند (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۳۰۳).

به‌نظر شهید صدر، کار اقتصادی یکی از عوامل اصلی برای توزیع درآمد پس از تولید است. منظور وی از کار اقتصادی، عملی است که ارزش‌افزدهای موجه ایجاد کند که با استثمار تفاوت دارد (همان، ص ۵۳۷).

در نظریه عدالت توزیعی شهید صدر، عنصر نیاز نقش مهمی در توزیع و باز توزیع درآمد پس از تولید بازی می‌کند. از آنجاکه افراد به‌طور معمول ظرفیت‌ها و قابلیت‌های متفاوتی دارند، ممکن است برخی درآمد کافی به‌دست نیاورند، یا هیچ درآمدی نداشته باشند. با این حال آنها حق داشتن یک زندگی رضایت‌بخش در حد متعارف را دارند. چنین وضعیتی به ایشان حق توزیعی از محصولات نهایی پس از تولید را می‌دهد. در نتیجه، دولت اسلامی و مسلمانان ثروتمند هر دو برای کمک به فقرا مسئولند.

رویکرد اسلامی به توزیع مجدد درآمد با تعریف توزیع مجدد درآمد در برخی نظام‌های اقتصادی سرمایه‌داری مادی‌گرا متفاوت است. در چنین نظام‌هایی، توزیع مجدد درآمد تنها به‌عنوان یک ضرورت، و نه هدف اصلی، پذیرفته شده است. بسیاری از فلاسفه سیاسی سکولار در مورد مسئولیت دولت یا ثروتمندان نسبت به فقرا مرددند. صرفاً در این اواخر برخی از آنها از سیاست توزیع مجدد، آن‌هم تنها برای بهبود عملکرد مکانیسم بازار، حمایت می‌کنند. به‌عبارت دیگر، آنها ضرورت بازتوزیع درآمد را تنها برای جبران شکست بازار در تخصیص منابع، لازم می‌دانند.

شهید صدر به شکل ویژه، نظریه عدالت توزیعی در اسلام را تبیین می‌کند. به‌نظر وی، اسلام برنامه خاصی برای توزیع منابع و محصولات، قبل از تولید (توزیع پیش از تولید) و پس از تولید (توزیع پس از تولید و توزیع مجدد) دارد.

الف. توزیع پیش‌تولید

روش اسلام در توزیع پیش از تولید با توزیع ثروت‌های اولیه، از جمله زمین و سایر منابع طبیعی، مانند مواد خام اولیه در زمین (منابع طبیعی)، آب‌های طبیعی و ثروت‌های دیگر (رودخانه‌ها، غذاهای دریایی، حیوانات، پوشش گیاهی) مرتبط است.

منابع به نیازها نیز توجه دارد. به‌گفته وی، مشکل اصلی، توزیع کمبود منابع موجود نیست؛ بلکه مشکل واقعی از خود انسان‌هاست؛ چنانچه خداوند متعال می‌گوید: «هرچه از او بخواهید، به‌شما می‌دهد؛ اگر نعمت‌های خدا را [بخواهید] بشمارید، قادر به این کار نخواهید بود؛ قطعاً انسان بسیار ستمگر و ناسپاس است» (ابراهیم: ۳۴). منشأ مشکل، ظلم انسان در توزیع ثروت و ناسپاسی وی با استفاده ناقص از تمام منابع در رابطه با نعمت‌های الهی است. به‌عقیده شهید صدر، «با تبیین مشکل بر مبنای انسان و پایان دادن به ظلم و ناسپاسی وی، از طریق ایجاد روابط عادلانه در توزیع و بسیج تمام نیروهای مادی برای بهره‌گیری از طبیعت و کشف تمام گنجینه‌های آن، می‌توان بر مشکلات فائق آمد» (صدر، ۱۹۸۰، ص ۳۴۶-۳۷۳).

نظر شهید صدر توسط برخی اقتصاددانان مسلمان بسط داده شده است. به‌عقیده آنها، عملکرد بازار و دولت، در یک نظام اقتصادی اسلامی، توسط دست نامرئی اخلاق تکمیل شده است. اسلام تلاش می‌کند تا هنجارهای اخلاقی را در کنش‌گران اقتصادی درونی‌سازی کند؛ به‌طوری که آنها رفتار خود را به‌طور داوطلبانه تنظیم کنند؛ تا تخصیص و توزیع منابع به رفع نیاز، اشتغال کامل، توزیع عادلانه درآمد و ثروت، و ثبات اقتصادی بیشتر منجر شود (چپرا، ۱۹۹۸، ص ۱۰۸). چپرا/ چنین مکانیسمی را «فیلتر اخلاقی» می‌نامد. به‌نظر وی، «بهره‌وری و حقوق صاحبان سهام، بدون توسل به فیلتر اخلاقی که ایمان فراهم می‌کند، حتی تعریف هم نمی‌تواند بشود» (همان، ص ۱۰۷). چپرا استدلال می‌کند، در یک چارچوب اسلامی، مفهوم آخرت به مسلمانان کمک می‌کند تا برای تعدیل پی‌گیری نفع شخصی‌شان، فیلتر اخلاقی را فعال کنند. بر این اساس، افراد پیش از آنکه تقاضاهای خود را در بازار مطرح کنند، خواسته‌های خود را براساس معیارهای اخلاقی تعدیل می‌کنند. در نتیجه هر مصرف‌کننده قبل از اینکه از طریق قدرت خرید آن را در بازار اظهار کند، تحت یک قید درونی، برای سنجش مطالبه وی از منابع، براساس معیارهای اخلاقی خواهد بود (همان، ص ۱۰۴). کارکرد مؤثر فیلتر اخلاقی می‌تواند با کاهش مصرف کالاهای غیرضروری، مکمل مکانیسم قیمتی در تعدیل مصرف‌گرایی افراطی باشد (همان).

۳-۳. نظریه عدالت توزیعی

یکی از دستاوردهای بزرگ شهید صدر در اقتصاد اسلامی نظریه

استفاده از آن را دارد. منابع طبیعی منقول مانند پرندگان، حیوانات، گیاهان و موجودات دریایی، با حیازت به مالکیت افراد در می‌آیند. به این ترتیب، مردم، و نه دولت، نسبت به منابعشان از طریق کار خود حق انحصاری خواهند داشت و ممکن است این حق را به‌طور نامحدود و یا باپرداخت عوارض در اختیار گیرند (همان).

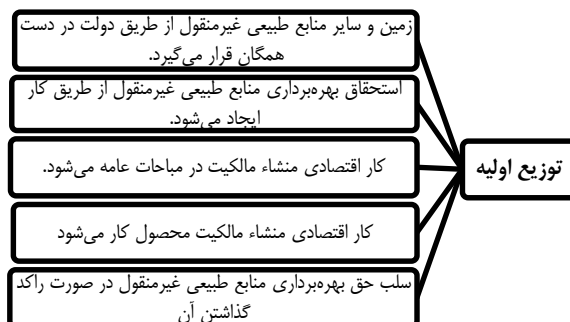
جدول ۲: مالکیت سایر منابع طبیعی

نوع منابع طبیعی	ظاهر (آشکار) (داری شکل نهایی؛ آماده مصرف)	باطن (پنهان) (فاقد شکل نهایی)
ثروت‌های طبیعی غیرمنقول (زمین، معادن نفت، زغال سنگ و...)	مالکیت عمومی یا مالکیت دولتی	الف) نزدیک به سطح: مالکیت عمومی یا دولتی ب) در عمق / نیازمند کار: طبق قاعده مالکیت دولتی اما مالکیت خصوصی در محدوده و زمان استخراج
آب‌های طبیعی	اقیانوس‌ها، رودها؛ مالکیت مشترک	چاه‌ها، چشمه‌ها؛ مالکیت مشترک و خصوصی تنها جهت استفاده
ثروت‌های طبیعی منقول	مالکیت خصوصی از طریق کار مجاز است (شکار پرندگان یا بریدن هیزم)	

منبع: حنیف، ۱۹۹۵، ص ۱۲۹.

ب. توزیع پس از تولید

شهید صدر به صورت مستدل بیان می‌کند که در نظام توزیع پس از تولید (Post-production Distribution) در اسلام، بین کار بروری منابع طبیعی و کار بروری «محصول کار» متعلق به دیگری، تفاوت وجود دارد. در مورد اول، محصول متعلق به کارگر است و مالک زمین مجاز به دریافت اجاره ثابت و یا سهمی از محصول است. این قاعده برای سایر عوامل تولید نیز صادق است. به‌عنوان مثال، کسی که زمین موات را احیا کند، حق اولویت برای منع استفاده دیگران از آن را دارد. حال اگر این فرد بخواهد ملک را به شخص دیگری اجاره دهد تا روی آن کار کند، وی هنوز هم به‌سبب کار اولیه‌اش نسبت به احیای زمین، نسبت به بهره‌برداری از زمین اولویت دارد. از طرف دیگر، کارگر به‌سبب کارش، مالک محصولات زمین است و به مالک، غرامت زمین را به اندازه‌ای که کار مالک زمین [احیاء] هنوز موجود است، می‌پردازد. این غرامت می‌تواند به‌شکل اجاره ثابت یا سهمی از تولید (اگر مالک زمین بذر، کود یا ماشین‌آلات را فراهم کند) باشد (همان، ص ۱۲۲).



شکل ۱: توزیع پیش از تولید منابع طبیعی در نظام اقتصادی اسلامی
منبع: حنیف، ۱۹۹۵، ص ۱۲۸.

در نظام توزیع قبل از تولید اسلام، مالکیت دولتی بیشترین سهم را دارد؛ هرچند که می‌توان حق اولویت بهره‌برداری را از دولت اخذ کرد. حق مالکیت خصوصی بر منابع طبیعی منقول و حق اولویت بهره‌برداری در منابع طبیعی غیرمنقول به‌صورت خاص مشروط به انجام کار اقتصادی همچون گرفتن پرند/ جمع‌آوری هیزم و احیای زمین به‌دست می‌آید (حنیف، ۱۹۹۵، ص ۱۱۷).

جدول ۱: مالکیت زمین

نوع دسته‌بندی زمین	زمین احیاء شده (مزرعه)	زمین موات	زمین آباد طبیعی (جنگل‌ها)
زمین فتح شده	مالکیت مشترک (عمومی)؛ ساکنان مالیات پرداخت می‌کنند تا برای کل جامعه مصرف شود	مالکیت دولتی؛ افراد از طریق کار حق بهره‌برداری دارند، مالیات به دولت پرداخت می‌شود	مالکیت دولتی؛ افراد حق بهره‌برداری دارند
زمین اسلام‌آوردگان	مالکیت خصوصی توسط ساکنان	مالکیت دولتی؛ افراد حق بهره‌برداری دارند	مالکیت دولتی؛ افراد حق بهره‌برداری دارند
زمین‌های به‌دست آمده از بیمن نظامی	بسته بیمن نظامی؛ مالکیت خصوصی یا مشترک (عمومی)	مالکیت دولتی	مالکیت دولتی
زمین‌های دیگر	مالکیت دولتی	مالکیت دولتی	مالکیت دولتی

منبع: حنیف، ۱۹۹۵، ص ۱۱۸.

شهید صدر همچنین نظر اسلام در مورد توزیع آب و مواد اولیه در یک نظام اقتصاد اسلامی را تبیین می‌کند. آب اگر برای استفاده غیراقتصادی حیازت شود، می‌تواند به ملکیت درآید. البته دولت مالک منابع آب‌های طبیعی است؛ ولی مردم می‌توانند به میزان نیازشان از آن بهره‌برداری کنند. تنها استثنا آب‌های زیرزمینی است که فردی که نیروی کار خود را برای بیرون کشیدن آن بکارگیرد و برای آن سرمایه‌گذاری کند، او حق انحصاری

درآمد متفاوت است. اگر بازار آزاد را جهت سازماندهی توزیع درآمد و ثروت رها کنیم، ممکن است اختلاف طبقاتی ایجاد شود.

چنین وضعیتی به فقرا حق توزیعی داده و دولت نقشی عمده در دستیابی به این تعادل اجتماعی ایفا می‌کند. دولت ملزم به ارائه سطحی متعادل از زندگی (به‌جای برابری درآمد) برای همگان است. باین حال دولت در برآورده‌سازی نیازهای جامعه تنها نیست؛ بلکه همهٔ مسلمانان در برابر سرنوشت برادران خود، مسئول هستند. آنها همچنین باید با پرداخت مالیات‌های واجب (زکات و خمس؛ یک پنجم از درآمد یک مسلمان که سالانه به خزانه پرداخت می‌شود) و کمک‌های مالی داوطلبانه (صدقات) نقش خود را ایفا کنند.

۳-۴. الگوی بانکداری بدون ربا

سهام شهید صدر در اقتصاد اسلامی به نظریات تحلیلی محدود نمی‌شود. او همچنین برنامه‌هایی عملی برای اجرایی کردن آموزه‌های اقتصادی اسلام و ایجاد زیرنظام‌های نظام اقتصادی اسلام از جمله نظام بانکداری بدون ربا ابداع کرده است. ایشان در بدون ربا را نیز معرفی کرده است. ایشان در سال ۱۹۸۱، الگوی خاصی از بانکداری بدون ربا را در کتاب *البنک الاریوی فی الاسلام* (بانکداری بدون ربا در اسلام) ارائه داد. الگوی بانکداری اسلامی پیشنهادی شهید صدر، تجهیز و تخصیص منابع در نظام بانکی بدون ربا را براساس قرارداد مضاربه بناشده است (صدر، ۱۴۰۱ق). شهید صدر در کتاب *الاسلام یقود الحیة*، بین الگوی بانک در نظام اقتصادی اسلامی و غیراسلامی تفکیک می‌کند؛ از نظر ایشان آنچه در کتاب *البنک الاریوی فی الاسلام* ارائه شده الگوی بانک بدون ربا در یک نظام اقتصادی و بانکی غیراسلامی است؛ ایشان وعده ارائه الگوی بانکداری اسلامی در یک نظام اقتصادی و بانکی اسلامی را نیز می‌دهند، ولی مجالی برای آن نمی‌یابند (صدر، ۱۳۸۸).

۳-۵. فلسفه و روش‌شناسی اقتصاد اسلامی

شهید صدر در زمینهٔ فلسفه و روش‌شناسی اقتصاد اسلامی نیز دستاوردهای قابل‌توجهی دارد. تفکیک مکتب و علم اقتصاد اسلامی و معرفی روش کشفی از مهم‌ترین دستاوردهای او در این زمینه است.

در مورد دوم، زمانی که کارگر روی «محصول کار» که متعلق به شخص دیگری است، کار کند؛ کارگر سزاوار دستمزد و محصول نهایی برای صاحب محصول اولیه است. مثلاً هنگامی که کارگر پشم می‌ریسد، محصول (نخ) متعلق به چوپان و به کارگر دستمزد داده خواهد شد.

شهید صدر معتقد است در نظریه اسلامی توزیع پس از تولید، از عایدی هریک از عوامل تولید به شرح زیر است:

(الف) کار: دستمزد و یا سهمی از سود؛

(ب) زمین: اجاره (یا بخشی از محصول)؛

(ج) سرمایهٔ پولی: سهمی از سود؛

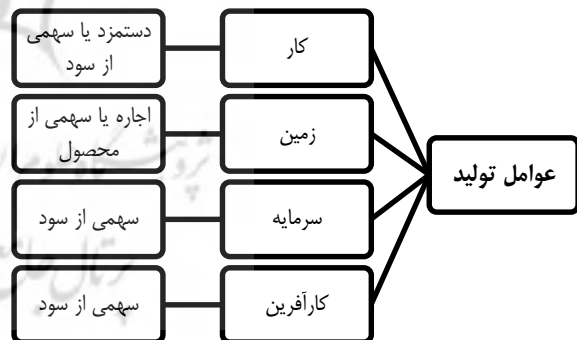
(د) ابزار / سرمایهٔ فیزیکی: اجاره / مزد.

کارگر بین درآمد ثابت (دستمزد) یا درآمد متغیر (سهمی از سود)

حق انتخاب دارد. اجاره زمین تنها به مالک که در ابتدا برای آن تلاش کرده، مجاز است. اسلام خرید ارزان و فروش گران بدون شراکت/ کار در تولید، یا اجازه زمین و سپس اجاره‌دادن به دیگری با اجارهٔ بالاتر را حرام کرده است (همان).

در قراردادهایی مانند مضاربه، مزارعه (سهم‌بری از محصول)،

مساقات و جعاله (اجرت، دستمزد)، به کارگر و سرمایه‌دار سهم از پیش تعیین شده داده خواهد شد.

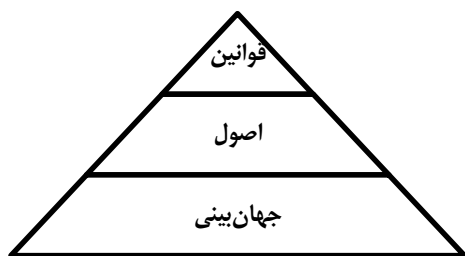


شکل ۲: عایدی عوامل تولید پس از تولید

منبع: حنیف، ۱۹۹۵، ص ۱۲۹

ج. توزیع مجدد درآمد و ثروت

شهید صدر، با به‌رسمیت شناختن نیاز به‌عنوان یکی دیگر از معیارهای استحقاق، سازوکار توزیع مجدد درآمد و ثروت در اسلام را معرفی می‌کند. او استدلال می‌کند که در یک اقتصاد اسلامی، نیازهای اساسی همهٔ افراد، حتی کسانی که نمی‌توانند از طریق کار پول کافی به‌دست آورند، باید برآورده شود. روشن است که ظرفیت افراد در کسب



شکل ۳: روش کشفی

براساس روش کشفی، اگر بخواهیم راه‌حلی اسلامی برای مشکلات اقتصادی بیابیم، باید جست‌وجویی نظام‌مند در قوانین یا فتاوی فقہی انجام دهیم، تا نظر اصلی اسلام نسبت به روش ساماندهی اقتصاد را به دست آوریم. همچنین اصول اقتصادی اسلام با مفاهیم اسلامی نیز مرتبط‌اند. به‌عنوان مثال، هنگامی که کار را به‌عنوان منشأ اصلی حق مالکیت در اقتصاد اسلامی در نظر می‌گیریم، این نظریه مبتنی بر چشم‌انداز ایدئولوژیک پیرامون مالکیت واقعی خداوند بر دارایی‌هاست. از آنجاکه خداوند را به‌عنوان مالک واقعی همه موجودات جهان در نظر می‌گیریم، می‌پذیریم که او می‌تواند برای استفاده از دارایی‌ها مقرراتی تنظیم کند. همچنین برخی قوانین فقہی یا فتوایی پیرامون مالکیت دارایی‌ها وجود دارد. چنین مفاهیم ایدئولوژیک و فتوایی در هماهنگی هستند؛ به‌نحوی که به اصول اسلامی در مورد منابع مالکیت منجر می‌شوند.

با توجه به ساختار سه مرحله‌ای بالا، هنگامی که خواستار کشف رهیافت‌های اقتصاد اسلامی باشیم، باید به مبانی ایدئولوژیک و فتواها در طبقه اول و سوم پرداخت. با توجه به ممنوعیت ربا، قمار و کلاهبرداری در فقه اسلامی و همچنین نظر اسلام در مورد مالک اصلی دارایی‌ها، می‌توان دریافت که چنین قوانینی بر پایه دیدگاه‌های عقیدتی پیرامون مالکیت دارایی‌ها استوار است. براساس این قوانین، یک نفر تنها زمانی می‌تواند مالک چیزی شود که سهمی واقعی در ایجاد یا تغییر آن داشته باشد؛ به‌طوری که کار وی ارزش افزوده‌ای در محصول نهایی ایجاد کرده باشد. یعنی زمانی می‌توانیم از حق مالکیت و یا منفعت دارایی‌ها برخوردار شویم، که به‌عنوان اثری اقتصادی کاری انجام دهیم. از این‌روست که رابطه‌ای نزدیک بین کار اقتصادی و حق مالکیت در محصول وجود دارد.

شهید صدر معتقد است برای کشف یک اصل در اقتصاد اسلامی، باید حداقل هشت گام برداشت؛ گام اول پروبال دادن به یک سؤال مکتبی است. مثلاً یک سؤال مکتبی در مورد منشأ حق مالکیت از منظر

الف. تمایز مذهب و علم اقتصاد

تفکیک شهید صدر بین مذهب (مکتب) و علم اقتصاد، تمایز دقیقی است که باعث تمایز میان نظریه‌های اقتصادی هنجاری و اثباتی در اقتصاد می‌شود. از نظر شهید صدر، علم اقتصاد به تبیین زندگی اقتصادی و پدیده‌های آن و اسباب و عوامل ایجادکننده آن می‌پردازد. در مقابل، مذهب اقتصادی روشی است که جامعه تبعیت از آن در زندگی اقتصادی و حل مشکلات اقتصادی را می‌پذیرد؛ مذهب اقتصادی روشی است که جامعه برای تولید ثروت و توزیع آن می‌پذیرد. به بیان دیگر، مذهب اقتصادی روش نظم‌بخشی به تولید و توزیع ثروت است. مذهب اقتصادی، از یک جهت، روش تنظیم زندگی اقتصادی و از جهت دیگر، حاکی از اندیشه‌های محوری پذیرفته‌شده در مواردی همچون آزادی و عدالت اقتصادی است (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۲-۴). در نگرش شهید صدر، علم و مذهب اقتصادی تفاوتی ماهوی دارند؛ علم اقتصاد از سنخ تبیین واقعیت‌های اقتصادی و مذهب اقتصادی از سنخ روش تنظیم امور اقتصادی است (صدر، ۱۳۸۸). مذهب اقتصادی بیانگر قواعد اصلی زندگی اقتصادی براساس اصل عدالت اجتماعی است؛ درحالی که علم اقتصاد به تبیین پدیده‌های اقتصادی بدون ارزش‌دوری بر مبنای عدالت می‌پردازد (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۲-۴).

شهید صدر در تعریف مذهب اقتصادی، نگاهی نهادگرایانه دارد؛ زیرا ایشان مذهب اقتصاد اسلامی را مشروط به پذیرش آن در جامعه اسلامی می‌داند (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۲-۴).

ب. روش کشفی

شهید صدر کمک شایانی به پیشبرد روش‌شناسی اقتصاد اسلامی کرده است. او با معرفی روش کشفی، روشی جدیدی برای کشف آموزه‌های اقتصادی اسلام از قرآن و سنت معرفی می‌کند. روش کشفی، راهی برای کشف اصول اقتصاد اسلامی است. وی سه سطح از آموزه‌های اسلامی در قرآن و حدیث مرتبط با اقتصاد اسلامی را معرفی می‌کند. در سطح فوقانی، قوانین اسلامی (فقه: فتاوی علما) در مورد فعالیت‌های اقتصادی و قراردادهاست. در سطح میانی با اصول مکتبی اسلام در مورد اقتصاد مواجه می‌شویم. پس از آن و در سطحی بنیادی‌تر، ایدئولوژی اسلامی قرار دارد (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۳۷۵-۴۲۹).

مکتبی بیان می‌کند که منشأ حق در اقتصاد اسلامی کار اقتصادی است. این یک اصل مکتبی است که از فتاوی‌ای بالا کشف شده است. برای تأیید اصل مکتبی کشف شده، به مفاهیم اسلامی پیرامون مالکیت می‌پردازیم؛ مانند این دیدگاه که تمام دارایی‌ها واقعاً متعلق به خداست و مالکیت انسان به‌عنوان جانشین یا خلیفه‌الله، مجازی و مشروط به مقررات فقهی اسلامی است. این مفاهیم با اصل اولیة کشف شده، هم‌خوانی دارد. این بدان معناست که دیدگاه هستی‌شناختی ما در مورد خدا، انسان و دارایی‌ها، با اصل «کار اقتصادی که منشأ مالکیت و حق منفعت است»، سازگاری دارد.

۴. اقتصاد اسلامی پس از شهید صدر

ایده‌های شهید صدر در اقتصاد اسلامی به‌دست اقتصاددانان بعدی توسعه یافته است. بررسی استنادات کتاب‌ها و مقالات اقتصاد اسلامی، حاکی از بهره‌مندی اندیشمندان مسلمان از ایده‌های متفاوت شهید صدر درباره سیستم اقتصاد اسلامی، بانک‌داری اسلامی، روش‌شناسی اقتصاد اسلامی و بسیاری از موضوعات دیگر اقتصاد اسلامی است.

در طول ۵ دهه پس از شهید صدر، بسیاری از اقتصاددانان بزرگ اسلامی برای ایجاد دستاوردی در ادبیات اقتصاد اسلامی، تلاش کردند. در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ بسیاری از اقتصاددانان اسلامی، از جمله محسن‌خان و عباس میرآخور (۱۹۸۷) با معرفی مدل مشارکت در سود و زیان (PLS)، ایده بانک‌داری اسلامی را بهبود دادند (خان و میرآخور، ۱۹۸۷). به‌علاوه در بیش از ۶۰ کشور، بسیاری از بانک‌های اسلامی تجهیز منابع مالی براساس مدل بانک‌داری اسلامی را آغاز کردند.

همچنین پژوهشگرانی مانند نجات‌الله صدیقی، مندر قحف، مسعود العالم چودری، اسد زمان، رفیق یونس مصری، محمد عمر چیرا، اقبال زیدی، مرفهیم خان، منور اقبال، انس زرقا و بسیاری دیگر از اقتصاددانان اسلامی، دستاوردهایی در بخش نظری ادبیات اقتصاد اسلامی داشته‌اند. در میان ایشان محمد عمر چیرا با معرفی مکانیسم فیلتر اخلاقی که در بخش‌های قبلی معرفی شد، به پیشبرد ادبیات نظام اقتصاد اسلامی کمک کرده است. او همچنین با احیای نظریه مکانیسم ماشه/ابن‌خلدون، به پیشبرد نظریه اسلامی توسعه کمک کرده است.

علاوه بر این دستاوردهایی در زمینه روش‌شناسی اقتصاد اسلامی توسط برخی پژوهشگران مانند انس زرقا، نجات‌الله صدیقی، مندر قحف، مسعود العالم چودری، اسد زمان و زبیر حسین، ایجاد شده است.

اسلامی می‌پرسیم. در مرحله دوم، قوانین مالی و یا فتاوهای پیرامون مالکیت دارایی‌ها را جمع‌آوری می‌کنیم. مرحله سوم، انتخاب فتاوهای است که با سؤال مکتبی ما مرتبط است. در مرحله چهارم، فتاوهای دارای ظرفیت برای کشف اصل مکتبی مورد بحث‌گزینش می‌شوند. مرحله پنجم، تنظیم فتاواها در یک سیر منطقی است؛ به‌طوری‌که بتوانیم برخی اصول مکتبی را از آنها استنباط کنیم. در مرحله ششم، این فتاواها برای کشف یک دکترین اقتصادی مقدماتی ترکیب می‌شوند. مرحله هفتم، انتخاب مفاهیم مرتبطی است که می‌تواند به‌ما برای کشف اصل مکتبی کمک کند. در نهایت آخرین مرحله، استنباط اصل عقیدتی از قوانین اسلامی (فتاوا) و مفاهیم مرتبط است.

اجازه دهید ۸ مرحله روش کشف را در قالب یک مثال توضیح دهیم. مثلاً این سؤال مطرح است که منشأ مالکیت و حقوق مالکیت در نظام اقتصادی اسلامی چیست؟ در نظام اقتصادی اسلام چگونه می‌توانیم مالک دارایی‌ها شویم؟ فتاوا و قوانین متفاوتی در مورد این موضوع وجود دارد که می‌تواند مستمسک یک اصل مکتبی قرار گیرد. بنا بر یک فتوا، پیمان‌کاری با قیمت و یا دستمزد بالاتر مشروع نیست؛ مگر اینکه تغییری در اموال ایجاد شود؛ به‌طوری‌که به‌سبب آن، ارزش افزوده‌ای حاصل شود. به‌عنوان مثال، هنگامی‌که شما خانه‌ای را اجاره می‌کنید، نمی‌توانید آن را به شخص دیگری با کرایه بالاتر اجاره دهید؛ مگر اینکه خانه را با کاری مانند رنگ‌زدن، بهبود دهید. یا شما نمی‌توانید قراردادی برای انجام کاری با دستمزد مشخص منعقد کنید و از کس دیگری بخواهید تا آن را با دستمزد کمتر انجام دهد؛ درحالی‌که بجز عقد قرارداد، شما هیچ سهمی در این پروژه نداشته‌اید. این بدان معناست که اگر شما از طریق پیمان‌کاری طالب تحصیل درآمد هستید باید کاری هم انجام دهید.

همچنین بنا به یک فتوا، اگر یک ماهی از رودخانه در زمین شما بیفتد، شما صاحب آن نمی‌شوید؛ مگر اینکه تلاشی برای گرفتن آن (حیازت) انجام دهید. بنا بر فتوای دیگر، حمی، یعنی تصاحب زمین بدون هیچ‌گونه فعالیت اقتصادی، حق منفعتی ایجاد نمی‌کند. علاوه بر این، ربا و قمار در اسلام ممنوع است. همچنین فتوایی وجود دارد مبنی بر اینکه اگر صاحب سرمایه هیچ ریسکی در پروژه متحمل نشود، هیچ سهمی در سود سرمایه‌گذاری نخواهد داشت.

پس از جمع‌آوری فتاواها یا قوانین مالی، آنها را به‌نحوی که ما را قادر به کشف یک اصل مکتبی سازد، ساماندهی می‌کنیم. اصل

نتیجه‌گیری

با نگاهی به تاریخ اندیشه اقتصاد اسلامی، شاهد آن هستیم که ایده‌های اصلی اقتصاد اسلامی در قرآن و سنت معرفی شده‌اند. این ایده‌ها، به تدریج تا پایان قرن سیزدهم، توسط دانشمندان مسلمانی مانند ابن‌خلدون کشف شد. از قرن چهاردهم و بعد از افول تمدن اسلامی، شاهد یک شکاف در تاریخ اندیشه اقتصادی اسلام می‌باشیم. برای بیش از پنج قرن، ادبیات اقتصاد اسلامی بهبود قابل توجهی نداشت.

در اواسط قرن بیستم شهید صدر به شکلی علمی نظام اقتصادی اسلام را در مقایسه با نظام‌های اقتصادی سرمایه‌داری، سوسیالیستی و مختلف معرفی کرد. ایشان در کتاب‌های *اقتصادنا*، *بانک بدون ربا در اسلام* و *الاسلام یقود الحیاه* نه تنها به معرفی نظام اقتصادی اسلام از لحاظ نظری می‌پردازد؛ بلکه دستاوردهایی در جنبه‌های عملی اقتصاد اسلامی، به‌ویژه نظام بانک‌داری بدون ربا نیز داشته است. به‌واسطه دستاوردهای بزرگ شهید صدر در اقتصاد اسلامی، وی صلاحیت نامزدی عنوان پدر علم اقتصاد اسلامی را دارد؛ چراکه وی در پرده‌برداری از طرح کامل نظام اقتصادی اسلام موفق بوده است. او در پرداختن به سه سؤال مبنایی در نظام اسلامی؛ یعنی سؤال در مورد حقوق مالکیت، سازوکار تخصیص و توزیع، و نظام توزیع مجدد موفق بوده است.

پس از شهید صدر، اقتصاددانان مسلمان ایده اولیه وی در مورد نظام اقتصادی اسلام را گسترش دادند. با این حال هنوز هم نظریه‌های اقتصادی صدر در مرکز مباحث اقتصاد اسلامی قرار دارد. پیشرفت‌هایی در ادبیات اقتصاد اسلامی صورت گرفته است. در حال حاضر برخی از دانشگاه‌ها در حال ارائه دوره‌های اقتصاد اسلامی در سطوح مختلف هستند. ادبیات اقتصاد اسلامی به سرعت در حال رشد است. همچنین امکان عملی‌سازی نظریه‌های اقتصاد اسلامی، مخصوصاً بانک‌داری و سرمایه‌گذاری اسلامی فراهم آمده است.

منابع.....

- صدر، سیدمحمدباقر، ۱۳۸۸، *الاسلام یقود الحیاه*، قم، دارالصدر.
- _____، ۱۴۰۰ق، *اقتصادنا*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- _____، ۱۴۰۱ق، *البنک الاربوی فی الاسلام*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- Akram Khan, M, 1984, "Islamic Economics: Nature and Need, J. Res", *Islamic Econ*, N. 1(2), p. 51-55.
- Blaug, M, 1997, *Great economists since keynes: An Introduction to the Lives and Works of One Hundred Modern Economists*, Edward Elgar Pub.
- Chapra, M., 2008, "Ibn Khaldun's theory of development: Does it help explain the low performance of the present-day Muslim world?", *Journal of Socio-Economics*, V. 37, N. 2, p. 836-863.
- _____، 1998, *Islam and Economic Challenge*, UK, The Islamic Foundation.
- Choudhury, M. A., 1986, *Contributions to Islamic economic Theory: A Study in Social Economics*, New York, St. Martin's Press.
- Haneef, M., 1995, *Contemporary Islamic Economic Thought: A Selected Comparative Analysis*, Ikraq, S. Abdul Majid & Co.
- Hasanuz Zaman, S, 1984, "Definition of Islamic Economics, J. Res", *Islamic Economics*, N. 1(2), p. 49-50.
- Ibn Khaldun, 2005, *The Muqaddimah: and Introduction to History*, N.J., Oxford, Princeton.
- Khan, M., & Mirakhor, A., 1987, *Theoretical studies in islamic banking and finance*, Texas, The Institute for research and Islamic studies.
- Kuran, T., 1995, "Islamic Economics and the Islamic Subeconomy", *Joumai of Economic Perspectives*, N. 9(4), p. 155-173.
- _____، 1997, "The Genesis of Islamic Economics: A chapter in the Politics of Muslim Identity", *Social Research*, N. 64(2), p. 301-338.
- Mannan, M. A., 1986, *Islamic Economicss: Theory and Paractice*, Kent, Hodder and Stoughton.
- Qahf, M., 1978, *The Islamic Economy: Analytical Study of the Functioning of the Islamic Economic System*, U.S. and Canada, Muslim Students Association of U.S. and Canada.
- Sadr, M., 1980, *Our Economy* (13 ed.), Beyruit, Dar Al-Taarof.
- Schumpeter, Joseph A., 1945 (re.p. 1997), *History of Economic Analysis*, New York, Routledge.
- Zatari, A., 2010، الشهید السیدمحمدباقر : رائد الاقتصاد الإسلامي الحديث، Retrieved from <http://www.alzatari.net/research/1041.html>